

برگشت ناپذیر

www.ketab.ir

معصومه آذربین

برگشت ناپذیر / معصومه آذرپرین

۹۶ ص

رقعی، چاپ اول، ۱۴۰۱

۵۰۰ نسخه

نوشهر: انتشارات عدن

شابک: ۷-۵۹-۷۱۸۹-۶۰۰-۹۷۸

رده بندی دیویی: ۸۳۳/۶۲

رده بندی کنگره: PIR۸۳۳۳

نویسنده: دکتر محمد علی براساس اطلاعات فیبا.

شماره کتابخانه ملی: ۸۷۳۶۲۵۲

برگشت ناپذیر

معصومه آذرپرین

ویراستار: مصطفی کریمیان بهنمیری

طراح جلد: مهندس آرزو باروج

صفحه آرا: کامبیز محمدیان حسن کیاده

نمونه خوان: پرمیدا عیانی

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

انتشارات عدن

نوشهر. خ ۱۵ خرداد. پاساژ ۱۵ خرداد. طبقه دوم. پلاک ۱۵۳

تلفن: ۰۱۱۵۲۳۵۸۷۵۰ دورنگار: ۰۱۱۵۲۳۵۳۴۴۹ همراه: ۰۹۱۲۲۰۴۱۲۳۱

nashradan@gmail.com

نخستین کتاب من به نام «رنج و اشتیاق» است که واقعیت های تلخ جامعه امروزی را به شیوه ای ساده به قلم کشیدم. «ماه منیر»؛ کتاب دوم نیز سرگذشت زنی است که سکه عمرش را خرج زندگی پرفراز و نشیب خود کرد. و اینک کتاب حاضر؛ «برگشت ناپذیر» که مبنای نگارش آن بر اساس داستان واقعی است و امیدوارم مورد توجه شما عزیزان قرار بگیرد.

این روزها بیش از همه نسبت به هم بیگانه شده ایم. استفاده ی نادرست از تکنولوژی گریبان خانواده ها را رها نمی کند. در این میان بیشترین آسیب را پدر و مادران و گاهی همسران که نزدیک ترین به ما هستند، می بینند. آن ها آشکارا مورد بی مهری قرار گرفته و در انزوای خود غرق می شوند.

موبایل یکی از خطرناک ترین ابزار پیشرفته ای هست که خود به تنهایی مفید بوده اما اینترنت چون درختی تناور با شاخه هایی چون: تلگرام، واتس آپ، اینستاگرام و غیره در درون آرامش خانواده ها ریشه دوانده و با پیشرفت زمان شاخه های جدید تری نیز به آن افزوده می شود. هرچند همه ی ما زیر سایه این درخت تناور ساعتی را در عالم دیگری سیر می کنیم اما باید واقف باشیم مجال زندگی شاد و پرتحرک را از ما گرفته است و حتی این وابستگی در زندگی افراد متاهل جامعه نیز دیده می شود. به نحوی که اتاق های گفتگو موجبات انحرافات و لغزش هایی را فراهم کرده و مناسفانه این روابط گاهی تا مرز طلاق هم پیش می روند.

هر چه بیشتر به اطرافم نگاه می کنم، بیشتر به این واقعیت می رسم که متأسفانه خود نیز در بین همین آدم ها قرار گرفته ام. اما شاید بهتر باشد مثل گذشته کمی هم در کنار هم باشیم نه در فضای مجازی! زیرا باعث می شود عزیزی را پشت سر خود جا بگذاریم. و به مرور آن ها احساس تنهایی می کنند و انگیزه ی زندگی را از دست می دهند.

این داستان، روایت زندگی است که با روابطی پوچ به پایان رسید. و با نگارش این زندگی، امید اندکی دارم که بین خود و دنیای مجازی فاصله ای ایجاد کنیم، زیرا "امن ترین پناهگاه آغوش گرم خانواده است."

www.ketab.ir